

لطفاً اسکندر بازی درنیاورید!



کتاب چیست؟ به مخلوطی از کاغذ، جوهر، کلمه و جمله که هم یار مهربان باشد، هم دانا و خوش‌بین باشد و هم گوید سخن فراوان، کتاب گفته می‌شود. لازم به توضیح است که او دوستی هنرمند، با سود و بی‌زیان نیز هست و نوجوان نباید در هیچ حالی از او غافل شود، چون او یار پنددار است.

کتاب‌ها برای نوجوان به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: زوری، ضروری.

کتاب‌های زوری: کتاب‌هایی هستند که خواندنشان هرچند عذاب‌آور ولی بسیار ضروری است. مانند انواع کتب درسی در طی دوازده سال آژگار. انواع کتب کمک‌درسی در همان سال‌های آژگار.

کتاب‌های ضروری: کتاب‌هایی که نوجوان مجبور به خواندنشان نیست ولی به هر زوری شده می‌خواندشان. مانند انواع کتاب‌های داستان و رمان در ژانر خوف و وحشت، ژانرهای ممنوعه و نهی‌شده، ژانرهای زرد شده و صد من یک‌غاز و ...

برخی استفاده‌های نادرست از کتاب: کتاب‌ها همواره در طول تاریخ قربانی سوء استفاده‌ها و رفتارهای غیر انسانی برخی از کتاب‌خوان‌نماها بوده و دچار آسیب‌های روحی فراوانی گشته‌اند. در این جا به برخی از کاربردهای غلط کتاب اشاره می‌کنیم:

استفاده به عنوان مگس‌کش: باید به اطلاع نوجوانان عزیز برسانیم که خیلی وقت است که وسیله‌ای به نام مگس‌کش اختراع شده و می‌توانید آن را از کلیه فروشگاه‌های معتبر در سراسر کشور خریداری کرده، دست از سر کتاب‌های بی‌نوا بردارید.

استفاده به عنوان زیرانداز: دیده شده بعضی نوجوان‌نماها برای خاکی نشدن لباس‌های قشنگ‌شان در حیاط مدرسه و این جور مکان‌ها از کتاب استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که زیرانداز هم تقریباً هم‌زمان با مگس‌کش اختراع شده و آخر علم و دانش چیزی است که آدم رویش چمباتمه بزند؟ استفاده به عنوان سوخت گرمایی و روشنایی جهت چهارشنبه‌سوری

و فارغ‌التحصیلی و دق‌دلی و این جور امراض: هیچ وقت خودتان را شبیه اسکندر مقدونی نکنید. او کلی کتاب و کتاب‌خانه آتش زد. تحت هیچ شرایطی اسکندر بازی درنیاورید.

سایر موارد از قبیل بادبزنی، متکا، سایه‌بان، سینی، دستگیره‌ی آشپزخانه، دم‌گنی، تزئینات داخلی و ...

چند توصیه‌ی ایمنی در رابطه با کتاب: از پرت کردن آن‌ها پرهیز کنید. آن‌ها را تا نکنید. لوله نکنید. برای نقاشی‌های داخل کتاب ریش و سیبیل و عینک و مژه و شاخ نگذارید (بله، همون کتاب‌ها رو می‌گم).

نکات کنکوری:

بر خلاف تعریف بالا از کتاب، کتاب‌هایی هم دیده شده که به جای یار مهربان، رفیق ناباب هستند یا کلاً با نوجوان قهرند. این دسته از کتاب‌ها نه تنها سودی ندارند بلکه خواندنشان سرتاپا ضرر است. حالا نمی‌خواهم نام ببرم، شما هم نگذارید دهنم باز شود.

کتاب‌هایی هم هستند که حسابی رفیق فابریک نوجوان بوده، تاریخ انقضا ندارند و حتی می‌شود چندبار خواندشان و خسته نشد. این یکی را نام می‌برم. مثلاً قصه‌های مجید. اگر تا حالا نخوانده‌اید، حتماً بخوانید و لذت ببرید. ما که حالش را بردیم!

باید انانداهای (ه) و (ه) را

رفیق بی‌کلک خودم و خودت

حانه شجاعی

گشتیم و دیدیم که تهاش با زخمی تنهایی ولی خب خوش گذشت به وقتایی.

میینا:

رفیق بیکلک‌اش مادر.

رفیق درد و دل‌هاش خواهر.

رفیق لحظه‌های سختش برادر.

با تشکر از حامی مالی این برنامه، پدر.

من:

اصلاً تو این دوره زمونه به دو نوع رفیق بیش‌تر نمی‌شه اعتماد کرد، یکی من، یکی درخت. والا!

تو:

بردار و درباره‌ی رفاقت خودت با کوله‌پشتی بنویس.

بنویس دیگه بابا چرا معطلی؟

پی‌نوشت: صالحه زرین از فولاد شهر اصفهان، ما منتظر خوش قولیت درباره‌ی گزارش هستیم!

آشناییت می‌دن و دغدغه‌های روزشون رو واسش تعریف می‌کنن.

رعنا:

چند تا دوست والیبالیست داره که ما رو کچل کرده باهاشون، هر بحثی باهاش می‌کنیم، یه جوری قضیه رو ربطش می‌ده به اندرزهای اون بزرگواران. یکی نیست بهش بگه تو که انقدر با ورزشکارها می‌گردی، پس چرا خودت توپ جمع کن هم نشدی؟! **شکیلا:**

یهو می‌بینی باهات سر سنگین شده، هرچی هم ازش بپرسی «چی شده» بیش‌تر می‌ره تو قیافه، ولی اگه محلش ندی، خودش خودبه‌خود به حالت عادی برمی‌گرده و دلیل ناراحتیش رو توضیح می‌ده، کلاً محلش ندی بهتر جواب می‌گیری.

مریم:

توی این فازهاست که رفیق هر نوعش، با هر نوعی

تو زندگی هرکسی یه موجودی هست به اسم رفیق، حالا این رفیق ممکنه خیلی از استعدادهای نهفته‌تون رو شکوفا کنه و بعد از چند سال اگه بشینید فک کنید به این نتیجه برسید که «رفیق بی‌کلک فلانی»، یا ممکنه کلاً کاسه کوزه‌ی استعدادهاتون رو بریزه بهم و تو نطفه سرکوب گش‌شون کنه و شما مجبور شید بعد از چند سال که به‌شون فک می‌کنید به این نتیجه برسید که امان از رفیق بد.

رویا:

یکی از معیارهای مهم‌اش برای انتخاب دوست اینه که اون طرف هم مثل خودش سرش تو درس و مشق باشه و همیشه معدلش چند صدم از رویا پایین‌تر باشه، بعد هم که همچین مورد اکازیونی پیدا می‌کنه فقط گلوله‌های تیکه و متلک و حسادته که به سمت هم پرتاب می‌کنن.

فرناز و زهرا:

اگه دو سال پیش تو مدرسه با یه نفر چشم تو چشم شده باشن هم دیگه فکر می‌کنن طرف دوست‌شونه و اگه الان تو خیابون ببینن‌اش، سریع می‌رن جلو بهش